دهاست و عشق او بسبب کمال جمال عشق با فانی مصیبت کشد عشق با باقی زندگی ابد بخشد بیت عشق آن زنده گزین کو باقیست
وز جمال جانفزایت ساقیست : وانکه عشق مردگان پاینده نیست : زانکه مرده سوی ما آینده نیست : هرچه جز عشق خدای
احسن است : گر شکر خواریست آن جان کندنست : در تاویلات ماتریدی آمده که مالا طاقة لنا به چیزیست که مشغول گرداند
بنده را از امتثال اوامر و ارتکاب عبادات پس گوییا که این دعا عصمت است و گویند شماتت اعداست از ایوب علیه
السلام پرسیدند که در زمان محنت چه چیز بر تو سخت تر آمد گفت شماتت دشمنان ع تهون البلایا والشماتة تعظم
بزرگی را پرسیدند که چیزی از دشمن بتر باشد گفت آری شماتت او بتر است از و بیت مشکلست این سخن که هیچ بلا نیست
همچون شماتت اعدا : و بهترین سخن که علماء ظاهر درین باب گفته اند آنست که مالا طاقة لنا به آنست که لغزیدن قدم بنده
باشد از صراط مستقیم محققان گویند آنچه بآن طاقت نباشد هجران محبوبست و حرمان از وصال مطلوب بعضی از اکابر دین
در دعا میفرموده اند اللهم مهما عذبتنی بشیء فلا تعذبنی بذل الحجاب بهر محنت که خواهی عذاب کن اما باتش
هجران مسوزان بهر عقوبت که شاید مبتلا ساز و لیکن شربت تلخ دوری مچشان بیت هیچ محنت نیست از هجران بتر
هرچه خواهی کن ولیکن آن مکن : طاقت دوری ندارم پیش ازین : پیش ازینم بی سر و سامان مکن : در مناجات یحیی بن معاذ است
جمله که اجبتنی بالتلاق و کلمتنی بالفراق پس چون حضرت پیغمبر صلوات الله علیه این حاجتها خواست و همه بتوقیع اجابت
موشح یافت گناه امت پیش آورد و گفت واعف عنا و عفو کن و درگذران خطاها و فراموشیها مارا واغفر لنا و بپوشان
گناهان مارا وارحمنا و ببخشای بر ما بقبول طاعتها و پذیرفتن عذر تقصیرات ما در عبادات تو انت مولینا تو نگاه
دارنده و دوست و پادشاه و کارساز و یاری دهنده مایی فانصرنا پس یاری ده مارا چنانچه خواجگان بندگان خود را
یاری دهند علی القوم الکافرین بر گروه کافران یا بر دیوان که وسوسه کنند و از راه برند و اند مراد از نصرت یا حقیقت ظفر است
بر کفار یا اظهار حجت بر ایشان آورده اند که چون معاذ جبل این سوره را ختم کردی آمین گفتی و در بعضی روایات هست که حضرت
پیغمبر صلوات الله علیه این دعا میکرد و ملایکه آمین میدادند و حق تعالی اجابت میفرمود ای عزیز در ضمن این کلمات هفت دعا مندرجست
و اجابت همه محقق اول درخواست کرد که مارا بنسیان و خطا مواخذه مکن خدای تعالی قبول فرمود و پیغمبر صلی الله علیه و آله
از آن خبر داد که رفع عن امتی الخطاء والنسیان و چون گفت که بار گران بر ما منه پنجاه نماز با پنج آمد و در مقابله التحمیل ما لا طاقة
لنا به سهولت امور دین مقرر شد یرید الله بکم الیسر چون عفو طلبید مژده یعفو عن السیئات چون مغفرت خواست وعده
ان الله یغفر الذنوب جمیعا روی نمود در طلب رحمت بشارت و کان بالمؤمنین رحیما در دار منشور حسبت و چون نصرت
بطلبید فحوای و کان حقا علینا نصر المؤمنین پیدا است و بعضی گفته اند عفو کن یعنی از ما درگذار و از مسخ کردن ایمن ساز مغفرت
روزی کن یعنی در پرده حمایت خود نگاه دار و بزمین فرو مبر ببخش یعنی مارا در میدان دوری بحجر [illegible] مکن یا
گردان یا عفو کن افعال که بمیزان شرع سنجیده نیست و بیامرز اقوالی را که در حضرت تو پسندیده نیست و ببخش عقاید [illegible]

رب

رب آمیز وهم و نیات منه اکثیر یا عفو کن که کبایر را و بیامرز صغایر را و رحمت کن بر ما بتقبیل ثواب [illegible] با وجود افلاس خسران بعفو
کن دست گیر زمانی که بگرداب اجل در افتیم و نور مغفرت دریغ مدار وقتی که بظلمت لحد گرفتار شویم مدد رحمت باز مگیر در موقف
قیامت بدلالت لطف تو راه یابیم بطریق امن و سلامت ارباب حقایق گویند عفو کن محو گردان آثار وجود موهوم ما
و مغفرت ارزانی دار یعنی بپوشش ها را بانوار حیوة بی زوال خود و رحمت کن بر ما بآنکه غایب سازی ما را از ما در وقت شهود
تا خلاص یابیم از شرک وجود خود ببرکت ظهور وحدت بیت روی بنمای و وجود خودم از یاد ببر : یا عفو کن یا اعلام
اسنار آثار منه بشریت از ما و بیامرز ما را باظهار انوار هویت خود بر ما و رحمت زمانی بر رفع ملبوس و سلب دعاوی انانیت
که تو کارسازنده در بحر وجود و یاری دهنده در نیل مقصود پس یاری ده ما را بجذبات عنایت و رفع کفار خیالات و دوگانگی
که مانع اند از مشاهده جلوات یگانگی یا عفو زمانی سیئات افعال صفات ما را که حجب افعال صفات تو اند و بیامرز کبایر ذات
ما را که اکبر هر کبیره اند ع وجودی ذنب لا یقاس به ذنب : و رحمت کن بر ما بوجود موهوب حقانی بعد از فنای رسوم و لوازم
نفسانی و چون تو متولی امور مایی پس نصرت ارزانی فرمای ما را بر قوای نفوس اماره و صفات آن و ظفر بخش بر شیاطین اوهام
و خیالات که بظلمت اندیشهای بی اصل و پندارهای ناموجه ما را محجوب میسازند از حضرت تو و بکفر کثرت مینمایند
از ایمان بصفت وحدت و وحدانیت تو یا محو کن صفات دنس ما را بصفات مقدس مطهر خود و بپوش ذات مجازی ما
بشعشعه تجلی ذات حقیقی خویش و رحمت کن بر ناسوتیت فانی ما بنور لطف لاهوتیت باقی خود بجذبات احدیت ما را
بستان و بظهور سر سرمدیت دل را از توهم غیر و پندار سوی برهان بیت ز رحمت من منم در بین مپندار : رحمی کن مرا من
مگذار : ای درویش درین دو آیه اسرار از حد بیش است و بدان منوال که سوره فاتحه را صفت جامعیت هست این دو آیه
نیز همه جمعیت دارند و لهذا با فاتحه در یک سلک انتظام یافته اند چنانچه در حدیث امام مسلم در فضیلت فاتحه گذشت که ملکی حضرت
حضرت پیغمبر را صلوات الله علیه مژده رسانید که خدای تعالی ترا دو عطا کرد که هیچ پیغمبر را نداده یکی فاتحه و دیگری خاتمه البقره و اگر کسی
انطباق حاجات سبع را که این خاتمه متضمن آنست بر معانی آیات سبع که فاتحه مشتمل بر آنست ملاحظه نماید شاید که پرتوی از
لوامع حکمت اجتماع فاتحه و خاتمه در عقد یک حدیث بر ساحت فهمش تابد و سر غامض البقره بنورین لم یر لهما نبی ملک بقدر قابلیت
خود دریابد و آنرا که داعیه طلبش هوس اقتباس لمعه ازین انوار دارد رجوع بمصابیح وهست آن مناسب است و لایق واله اعلم
بالحقایق در معالم التنزیل باسناد آورده از حضرت رسالت صلی الله علیه که حق سبحانه کتابی نوشت پیش از آفریدن آسمانها و زمینها
بدو هزار سال و از آن دو آیه که سوره بقره را بدان ختم نموده نازل گردانید پس خوانده نشود این دو آیه در سرای سه شب که شیطان
بدان سرای نزدیک آید یعنی در هر خانه که سه شب متوالی این دو آیه تلاوت نمایند شیطان نزدیک آن خانه نگردد و در کشف
الحقایق گوید حدیث متفق علی صحته وارد است که هر که در شب دو آیه آخر سوره بقره بخواند کفایت کنند قاری خود را یعنی از
او باز دارند مهمات او و بسازند و در روایتی دیگر هست که قرائت این دو آیه در شب مجزاست از قیام تمام آن شب و در قوت

Copyright © King Saud University